

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بررسی امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلق امر

بیان شد که از دلیل سوّم بر استحاله اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلق امر، پاسخ هایی در کتب مختلف اصولی ذکر شده است. در جلسات گذشته دو پاسخ از محقق عراقی و محقق خویی «رحمة الله علیهما» ذکر شد و ضمن نقد و بررسی آنها به این نکته اشاره نمودیم که این پاسخ ها صحیح نبوده و لذا باید از دلیل سوّم - دلیل محقق نائینی «رحمة الله علیه» - پاسخ مناسب دیگری داده شود.

پاسخ سوّم: بیان استاد معظم

برای نقد و بررسی کلام محقق نائینی «رحمة الله علیه» توجّه به دو مقدمه لازم می باشد:

مقدمه اوّل آن است که محلّ بحث ما این بود که آیا اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلق امر از جانب شارع مقدّس ممکن است و مانعی از جعل و انشاء وجود ندارد یا اینکه ممکن نبوده و بلکه محذوراتی را در جهت اصل صدور امر و جعل وجوب به همراه دارد؟

مقدمه دوّم اینکه هر حکمی از احکام شارع مقدّس، از جمله حکم وجوب، مراحلی دارد: مرحله اوّل مرحله اقتضاء حکم می باشد، یعنی مرحله ای که مصلحت موجود در فعل، مقتضی جعل وجوب و طلب لزومی آن فعل توسط شارع است. مرحله دوّم مرحله انشاء حکم می باشد، یعنی مرحله ای که شارع مقدّس طلب حقیقی و درونی را ابراز و اظهار می نماید که به آن اصطلاحاً امر گویند. مرحله سوّم مرحله فعلیّت حکم می باشد، یعنی مرحله ای که مولی انجام آن فعل را از مکلف می خواهد و مرحله چهارم مرحله تنجّز حکم می باشد، یعنی مرحله ای که هیچ عذری از مکلف در جهت ترک انجام آن فعل پذیرفته نمی شود.

صرف نظر از آنکه تعداد این مراحل قابل نقد و بررسی بوده و در محلّ خود به بحث از آن خواهیم پرداخت، تحقیق هر یک از این مراحل شرایطی دارد:

حکم در مرحله اقتضاء صرفاً نیازمند آن است که فعل و متعلق، برخوردار از مصلحت یا مفسده یا مستعدّ اثری از آثار باشد؛

حکم در مرحله انشاء، نیازمند آن است که فعل و متعلق قبل از انشاء، با تمام قیود موضوعی خود که در تحقیق خارجی مصلحت دخیل می باشند، توسط آمر و جاعل به صورت عنوانی لحاظ شود، چه آن قیود موضوعی وجود خارجی داشته باشند و چه نداشته باشند، چه مأمور در حین جعل حکم و پس از آن، قدرت بر انجام آن متعلق و موضوع داشته باشد و چه نداشته باشد؛

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی و اقا حکم در مرحله فعلیّت که مرحله درخواست اجرای مأمور به و قانون از مکلف می باشد، نیازمند قدرت مکلف بر انجام خارجی آن فعل و متعلّقی می باشد که در مقام جعل و انشاء بعنوانه لحاظ شده بود و قدرت مکلف بر انجام خارجی آن فعل و متعلّقی که فرضاً در ما نحن فیه قید «قصد امتثال امر» می باشد، نیازمند آن است که موضوع حکم که فرضاً در ما نحن فیه «امر» می باشد در خارج وجود داشته باشد. چون بدون وجود خارجی موضوع حکم یعنی «امر»، مکلف قادر بر انجام متعلّقی حکم یعنی «قصد امتثال امر» نیست. لذا اگر عقدی وجود نداشته باشد، تکلیف انشائی وجوب نسبت به وفاء فعلی نمی شود و اگر خمری وجود نداشته باشد، تکلیف انشائی حرمت نسبت به شرب فعلی نمی گردد.

با توجه به دو مقدمه فوق عرض می کنیم: در بحث ما نحن فیه، یعنی امکان اخذ قصد امتثال امر در متعلّقی امر در مقام جعل و انشاء، قصد امتثال امر، یکی از قیود موضوعی متعلّقی «صلّ» است و آنچه در مقام جعل نیاز به آن می باشد، لحاظ عنوان متعلّقی یعنی ذات فعل به همراه لحاظ عنوان قصد امتثال امر است، نه وجود خارجی آنها. لذا در مرحله جعل و انشاء، نیازی به قصد امر خارجی نیست همانطور که نیازی به وجود خارجی موضوع یعنی امر و قدرت مکلف بر ایجاد متعلّقی در خارج نیست.

و اقا بعد از آنکه جعل و انشاء صورت گرفت، فعلیّت این حکم نیازمند آن است که متعلّقی با تمام قیود موضوعی آن در خارج وجود داشته باشد. چون قدرت مکلف بر انجام متعلّقی یعنی ذات فعل، شرط فعلیّت حکم است و تا موضوع و یا قیود موضوعی در خارج وجود نداشته باشند، قدرت بر انجام متعلّقی نیز حاصل نمی شود تا آنکه حکم فعلی گردد. لذا حکمی مانند «صلّ» زمانی فعلی می شود که مکلف بتواند متعلّقی را با تمام قیود موضوعی آن، از جمله قصد امتثال امر انجام دهد و این در گرو آن است که امری در خارج وجود داشته باشد و از آنجا که فرضاً امر صادر شده، مکلف قادر بر قصد امتثال امر می باشد و لذا حکم فعلی می گردد.

بنا بر این روشن می گردد که در مرتبه جعل و انشاء، وحدت حکم با موضوع لازم نمی آید. چون حکم انشائی، امر خارجی است و اقا موضوع این حکم، عنوان امر است؛ همچنین روشن می شود فعلیّت حکم انشائی، متفرّع بر خود حکم نیست، بلکه متفرّع بر قدرت مکلف بر انجام متعلّقی با قیود موضوعی آن است و با وجود امر انشائی در خارج، مکلف قدرت بر انجام متعلّقی با قصد امتثال امر خارجی را دارا بوده و لذا در مقام امتثال هم محذوری لازم نخواهد آمد^۱.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۱ - همانطور که روشن است، مقدّمات پاسخ استاد معظم، در جلسات گذشته در مقام نقد دلائل مذکور، پایه ریزی گردیده و به صورت مفصل بیان شده است. مثلاً در درس ۸۲، مورّخ ۹۲/۱/۳۱ در مقام نقد دلیل اوّل بیان شد که «منشأ این اشکال و توهم آن است که میان متعلّقی امر در مقام جعل و قانونگذاری با متعلّقی امر در مقام امتثال و عمل خلط شده است. به تعبیری دیگر، میان متعلّقی که وجودش به صورت علمی و ذهنی، در مقام جعل و قانونگذاری کافی است با متعلّقی که وجودش برای عملیاتی شدن و امتثال امر لازم است، خلط شده است». همچنین در درس ۸۹، مورّخ ۹۲/۲/۱۰، بیان شد که «اساس فعلیّت هر حکمی را قدرت مکلف بر فعلی که متعلّقی آن حکم می باشد تشکیل می دهد و اساس قدرت بر متعلّقی را وجود موضوع حکم در خارج تشکیل می دهد».